خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸
۲۸ شعبان ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۱۱۹

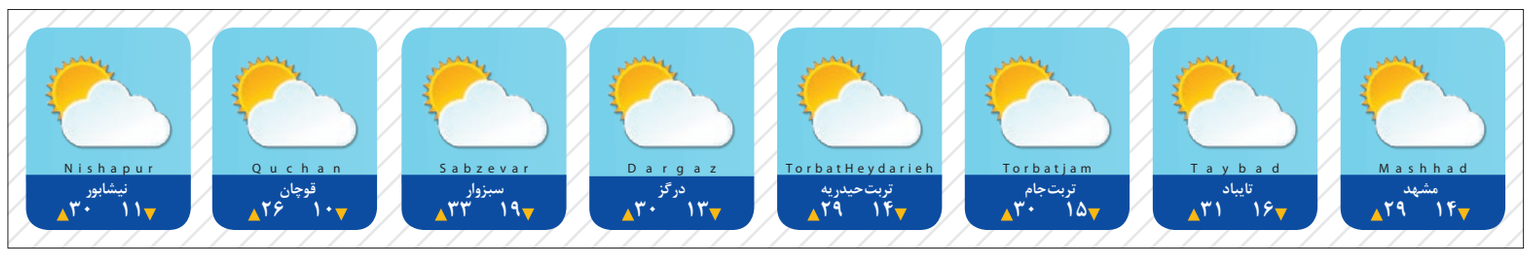

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام هادی (ع)

اگر مردم در راه‌های مختلف حرکت کنند. هر آینه من در مسیر و وادی مردی حرکت خواهم کرد که خدا را به تنهایی خالصانه عبادت می‌کند. (میزان الحکمة، ج. ۳، ص. ۶۰)

مناجات

علامه حسن زاده آملی

الهی، این و آن گویند بهای یک گرده نان پنج قران است. حسنِ بی‌بها گوید هرگز آن به بها در نمی‌آید. در ازای هر لقمه و جرعه از ازل تا ابد شکرت.
الهی، موج از دریا خیزد و باو‌ی آمیزد و در وی گریزد و از وی ناگزیر است؛ (إنّا لله و إنّا إلیهِ راجِعون- بقره/۱۵۶.)
الهی، شکرت که دیدهٔ جهان‌بین ندارم (هُوَ الأوّل و الآخِرُ و الظاهِرُ و الباطِن- حدید/۳.)
الهی، این کلمهٔ ناتمام خوشحال است که به اسم، سه حرف از حروف مقطّعهٔ فرقانت را دارا است. کلمات تامّه‌ای که به حقیقت همهٔ مقطّعهٔ قرآنت را دارایند چونند؟
الهی، شکرت که نفخه و نفثی از دمی عیسوی را به حسن داده‌ای که مرده زنده می‌کند.

با شاعران

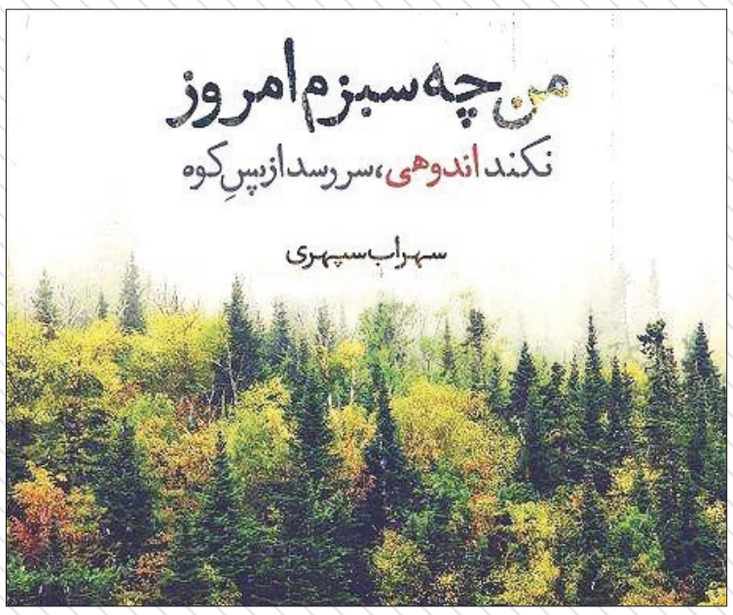

خراسان به روایت خراسان

۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۸

موتورسواری سه پشته حادثه‌ساز شد

۵۰ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: دیروز سه نفر به نام‌های رضا، طاهر و علی که سوار یک موتورسیکلت بودند، هنگامی که در نزدیکی اردوی کار با موتورسیکلت از روی تپه شنی کوچکی که در آن حوالی بود عبور کردند بر اثر سرعتی که موتور داشت دو نفر از آن‌ها از روی موتور پرت شدند و به سختی آسیب دیدند که توسط عابران روانه بیمارستان شدند که حال رضا نیز بسیار وخیم است و هم‌اکنون در حال بیهوشی است.

دزدی از خانه پیرزن

دیروز پیرزنی که سر و صورتش با چاقو مجروح گردیده بود، برای معاینه به پزشکی قانونی مراجعه کرد و از دو نفر به نام‌های اسماعیل و جعفر که او را مضروب کرده بودند، شکایت کرد. وی که فاطمه نام داشت به خبرنگار ما اظهار کرد: من در یکی از دهکده‌های اطراف چناران در باغی تنها زندگی می‌کنم. حدود دو ماه است که موقع شب که در اتاقم تنها خوابیده‌ام دو نفر به نام‌های اسماعیل و جعفر که از اوباشان و دزدان آن اطراف هستند وارد اتاقم می‌شوند و پس از این که مرا کتک می‌زنند، هرچه پول نقد و خوراکی دارم با خود می‌برند و بعد هم مرا تهدید می‌کنند که اگر به کسی بگویم، کشته می‌شوم تا این که پریشب برای چندمین بار به قصد دزدی به خانه من آمدند. چون من در برابر آن‌ها مقاومت کردم، یکی از آن‌ها با چاقویی که در دست داشت، دو سه ضربه به سر و صورتم زد و بعد گفت اگر نشانی جای پول‌هایت را ندهی می‌کشمت و من هم از ترس ۲۰۰ تومان پول نقدی را که داشتم به آن‌ها دادم تا بروند. صبح هم به پاسگاه ژاندارمری رفتم و از اسماعیل و جعفر شکایت کردم و از آن جا برای معاینه به مشهد و پزشکی قانونی مراجعه کردم.

مسابقات فوتبال ۳ نفری آغاز شد

مسابقات فوتبال ۳ نفری به صورت گل کوچک بین رشته‌های مختلف دانشکده علوم با شرکت ۱۰ تیم در محوطه دانشکده علوم آغاز شد. این مسابقات به صورت دوره‌ای در دو دسته (الف) و (ب) انجام خواهد یافت و از هر دسته دو تیم به مسابقات نهایی راه خواهند یافت. به تیم‌های اول تا سوم جوایزی از طرف دانشکده داده خواهد شد.

تصادف فولکس و موتور

دیروز موتورسواری به نام اکبر که از خیابان خاکی عبور می‌کرد، با فولکس واگنی تصادف کرد و در این حادثه راکب موتور به سختی مجروح شد که توسط عابران به بیمارستان منتقل و بستری شد و راننده فولکس واگن نیز توسط پلیس به کلانتری برده شد.

نمای تاریخی

عکسی تاریخی از ارگ مشهد مربوط به دهه ۳۰

قصه های ناتمام

سید فرید موسوی

گفت‌وگو با «سالار عقیلی» که با آثار ملی و حماسی‌اش خاطره‌ها داریم

موسیقی مرز نمی‌شناسد

«سالار عقیلی»، بی‌اغراق یکی از بهترین‌های موسیقی ایران است. میراث او برای این هنر چند صد اثر تاثیر گذار و ماندگار است، به‌ویژه آن‌هایی که در حوزه‌های حماسی و میهنی خوانده و به دل مخاطبان نشسته است. فقط نوزده سال داشت که در جشنواره موسیقی فجر ۱۳۷۵ خوش درخشید و همان سرآغاز یک زندگی حرفه‌ای پُربار بود اما بهانه رویداد موسیقایی، بهانه آشنایی او با بانوی جوان هنرمندی شد که به اتفاق خانواده‌اش به تماشای هنرنمایی وی نشسته بود. صحبت‌های آن‌ها بعد از برنامه به آشنایی خانوادگی و ازدواج‌شان منجر شد. به این ترتیب عشق سالار عقیلی و حریر شریعت‌زاده به موسیقی باعث پیوند آن‌ها می‌شود. خانواده هنری شان حالا با «ماهور» فرزندشان که از قضا او نیز دستی به ساز دارد، کامل شده است. در گفت‌وگویی با «سالار عقیلی» از عالم موسیقی سخن گفتیم. از اقتصاد این هنر تا وجود حاشیه‌ای و زیرزمینی آن.

چالش‌های اقتصاد برای هنر و هنرمند

حرف را با این هنرمند از یک کارنامه پُربارش آغاز می‌کنیم. از آثار و آلبوم‌های پُرتعداد او که به‌رغم وجه کیفی بالای آن، به لحاظ کمی برای عده‌ای، یک نقطه قابل نقد در کارنامه این خواننده است. او خود این مسئله را رد می‌کند و می‌گوید: بپذیریم که اساسا هنر آن درآمدی را که شایسته نامش هست، ندارد. این موضوع هم از عوامل متعددی ریشه می‌گیرد. حتی اگر هنرمندی این شانس را داشته باشد که بسته به توانمندی‌اش دستمزد دریافت کند و کسب درآمد کند، تازه می‌شود امیدوار بود، او که عمری را صرف دغدغه‌های هنری کرده، با آرامش می‌تواند به بازنشستگی‌اش فکر کند. البته این شکل ایده‌آل است و در واقع کمتر این اتفاق رخ می‌دهد. اگر انرژی که بسیاری از همکاران من برای فعالیت‌های هنری‌شان خرج می‌کنند، در شغل صرف می‌کردند، دریافتی اقتصادی به‌مراتب بیشتری داشتند. عقیلی اعتقاد دارد: آن‌طور که من به مقوله هنر نگاه می‌کنم موسیقی با روحیه مردم سروکار دارد، وقتی روحیه مردم خوب باشد، حال موسیقی هم خوب است و بالعکس. اتفاقات تلخ و شیرین بر جریان هنر اثر خود را باقی می‌گذارد. چنین سطح از اثرگذاری در بسیاری دیگر از مشاغل وجود ندارد. او نقبی هم می‌زند به یک چالش دیگر در عرصه فعالیت خود و آن را مانع مضاعفی می‌داند که باعث می‌شود تا حق مطلب در حوزه اقتصادی برای هنرمندان فعال در این عرصه ادا نشود: «زیاد از ضعف قانون در بحث کپی‌رایت سخن گفته‌ایم. این مسئله یکی دیگر از عواملی است که به هنر موسیقی آسیب وارد می‌کند. موسیقی از نظر اقتصادی وضعیت مناسبی ندارد خاصه در این برهه زمانی که متاسفانه تعداد قابل توجهی از مردم آثار موسیقایی را خریداری نمی‌کنند و به راحتی از طریق فضای مجازی نسخه کپی شده آن را دانلود می‌کنند. با این اوصاف اثری تولید و چندده میلیون نیز صرف هزینه ساخت آن می‌شود اما شرکت‌های پخش موسیقی خریدار آن نیستند چون اطمینان دارند که نمی‌توانند سرمایه‌ای را که برای آن هزینه کرده‌اند، بازگردانند. حامیان مالی هم معمولاً در جایی حمایت می‌کنند که مطمئن باشند پول و سرمایه‌شان به انضمام ارزش افزوده‌اش بازمی‌گردد. با این اوصاف کسی وارد گود سرمایه‌گذاری برای هنر نمی‌شود مگر آن که از سودش مطمئن باشد. آرزوی او در مقام یک هنرمند، ایجاد تحول در این عرصه است تا آن‌هایی که در این وادی با عشق فعالیت می‌کنند، دغدغه معاش نداشته باشند.

هنر موسیقی مرز نمی‌شناسد

بحث دیگر ما با این هنرمند از حضورش در فضای مجازیست. صریح می‌گوید که «متاسفانه یا خوشبختانه در شبکه‌های اجتماعی عضویت ندارم.» اما صفحات او در شبکه‌های اجتماعی را افراد دیگری مدیریت می‌کنند و خودش از این عرصه دوری می‌جوید. دلیلش را هم حواشی ذکر می‌کند که اقتضای این عرصه است: «معتقدم برای استفاده بهینه از چنین امکانی نیازمند نوعی مهارت‌آموزی هستیم.» عقیلی البته به اثرگذاری این ظرفیت برای جذب مخاطب و ارتباط با او اذعان دارد و می‌گوید: تا حد زیادی با این مسئله موافقم که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کنند تا هنرمند اثرش را به جامعه بشناساند و برنامه‌ها و فعالیت‌هایش را معرفی و اطلاع‌رسانی کند. البته همان‌طور که گفتم آسیب‌های خودش را هم دارد که یکی از آن‌ها، عرضه غیرقانونی آثار هنرمندان است، بدون آن که با عرضه‌کنندگان برخوردی شود. سود چنین اقداماتی قطعا به جیب هنرمند نمی‌رود. حرفمان می‌کشد به زیرزمینی‌های هنر موسیقی. آن‌هایی که دنبال مجوز نمی‌روند و از قضا همین فضای مجازی آن‌ها را به شهرت می‌رساند و طبیعتا حاشیه‌های این هنری که بر آن نظارتی وجود ندارد، دامن آن‌هایی را می‌گیرد که تحت نظارت قانون و مجوزهای رسمی فعالیت می‌کنند. عقیلی بر این باور است که اگر به این هنرمندان عمدتا جوان پر و بالی داده شود و مسیر دریافت مجوزها، تسهیل گردد؛ فعالیت زیرزمینی هم بی‌معنا خواهد شد. او می‌گوید: وقتی شمای نوعی بتوانید کارتان را در عرصه رسمی تولید کنید و بعد هم آن را ارائه دهید نیازی به حضور در چنین فضایی نیست. در عرصه هنر هم مثل دیگر حوزه‌ها تصمیم‌گیرنده اصلی مردم هستند. در خارج از کشور هزاران مدل موسیقی وجود دارد اما این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند که به چه آثاری گوش بسپارند. اصالت کار برای مردم ما مهم است و به تجربه می‌توانم بگویم که تشخیص هنری مردم ما بسیار بالاست. از این منظر اگر مسئولان و تصمیم‌گیران عرصه را باز بگذارند و اجازه بدهند استعدادهای جوان در چارچوب‌های منطقی، آثار خود را تولید و عرضه کنند؛ در مرحله انتخاب، این جامعه و مردم هستند که گزینش لازم را انجام می‌دهند و به ارتقای آثار کیفی کمک می‌کنند. او نقدی را هم به دسته‌بندی‌های کاذبی وارد می‌کند که خط کش می‌گذارند و هنرمندان را در قالب‌های مختلف موسیقی خط‌بندی می‌کنند. امری که در دیگر اشکال هنر وجود ندارد. این خواننده مطرح کشورمان، این رویه را آسیبی می‌داند که باعث می‌شود تا خلاقیت از این عرصه دریغ شود و هنرمند به مرزهایی که دیگر برایش تعیین کرده‌اند محدود شود. او می‌گوید: تقسیم‌بندی‌های فرضی هنوز دست از سر موسیقی برنداشته‌اند. متاسفانه فقط در موسیقی ما این طور است که یک جبهه‌گیری توسط عده‌ای علیه موسیقی سنتی به وجود آمده و از آن طرف هم جبهه‌گیری دیگری توسط گروهی دیگر علیه موسیقی پاپ شکل گرفته است. انگار می‌خواهند هنرمندان این عرصه را در تقابل با یکدیگر قرار دهند و این رویکردی بسیار غلط است. عقیلی تاکید می‌کند: به عنوان کسی که سال‌هاست در عرصه موسیقی فعالیت دارد، از جان و دل می‌گویم که موسیقی مرز نمی‌شناسد و باید به آن نگاهی جهانی داشته باشیم. این نگاه به من آموخته تا قضاوت‌ها را کنار بگذارم و بپذیرم موسیقی پاپ خوب، خوب است و موسیقی سنتی خوب هم خوب است. حالا اگر هر کدام از این موارد تنها شبحی باشد از عنوان وژانری که نامش را یدک می‌کشد هیچ دلیلی ندارد پشت آن عنوان‌ها پناه بگیریم و نگوییم اثر هنری که مایه نداشته باشد و معاصر نباشد، خوب نیست چه سنتی باشد و چه پاپ و چه هر شکل دیگر از آن.

موسیقی بهانه پیوند من و همسرم شد

از سالار عقیلی درباره کارهای ملی- میهنی و حماسی او می‌پرسیم که چه در قالب ارکسترهای موسیقی ملی ایران و سمفونیک اصفهان اجرا کرده و چه آن‌هایی که خوانده تا بر تیتراژ سریال یا فیلمی ماندگار شوند. او می‌گوید: من حدود ۴۶۰ آهنگ اجرا کرده‌ام که از این میان تنها ۱۰ آهنگ ملی- میهنی است اما زعم بسیاری آن است که عمده کارهای من در این حوزه بوده است، در حالی که اگر کسی شنونده کارهای من بوده باشد و تمام کارهای سالار عقیلی را دنبال کند، این حس را نخواهد داشت. علت این موضوع این است که تلویزیون و رادیو بیشتر کارهای ملی- میهنی من را پخش می‌کنند. البته این می‌توانست عکس هم باشد و اگر مثلا رادیو و تلویزیون آن ۴۵۰ کار دیگر من را پخش می‌کرد، شاید تلقی برخی از مردم آن بود که سالار عقیلی فقط کارهای عاشقانه می‌خواند یا بر مفاهیم تغزلی تاکید بیشتری دارد تا درون‌مایه‌های وطنی و حماسی. او از این موضوع خاطره‌ای دارد که آن را این طور تعریف می‌کند: یک بار آقایی من را در خیابان دید و به من گفت: چرا شما فقط کارهای ملی- میهنی می‌خوانید و از اشعار حافظ و مولانا در آثارتان بهره‌ای نمی‌گیرید؟ گفتم من ۱۲۰ اثر از سعدی، حافظ و مولانا دارم اما چون شما کارهای دیگر را زیاد می‌شنوید فکر می‌کنید آثار من محدود به موضوعات ملی- میهنی می‌شود. حرف دیگر ما با این هنرمند نامدار، از خانواده‌ای است که از جنس خود اوست، یعنی هنرمند و هنردوست. او این خانواده را افتخار خود می‌داند و می‌گوید: خانم حریر شریعت‌زاده جزو سه نفری در ایران هستند که سبک پیانونوازی زنده‌یاد استاد مرتضی خان محجوبی را دنبال می‌کنند. به هر حال من هم از زمانی که کار موسیقی را شروع کردم، علاقه‌مند به استاد بنان بودم و به نوعی علت آشنایی من و همسرم هم همین بود و به بیان بهتر، موسیقی ما را به هم پیوند داد. من اولین کنسرت رسمی‌ام را با همراهی همسرم برگزار کردم. خاطرم هست قرار بود آن برنامه را دو شب اجرا کنیم اما مردم آن قدر لطف داشتند و به قدری استقبال کردند که یک شب دیگر هم کنسرت تمدید شد. بعد از این بود که من و همسرم به عنوان نوازنده پیانو به همراه آقای سیامک بنایی و آرش فرهنگ‌فر به عنوان نوازنده تنبک، آلبوم «مایه ناز» را ضبط کردیم. آلبوم مایه ناز پیش از آن که از سوی مردم عزیز مورد استقبال قرار بگیرد هواخواهان زیادی در میان شرکت‌های توزیع موسیقی پیدا کرده بود. البته به غیر از سالار عقیلی و همسرش، فرزند آن‌ها «ماهور» هم در عرصه موسیقی فعال است. این هنرمند در توضیح علت حضور فعالانه فرزندش در عرصه موسیقی بیان می‌کند: او بزرگ شده یک خانواده هنری است و این ریشه‌ها، ماهور را هم سمت موسیقی کشانده است. او حالا در حد خیلی خوب ویلن می‌نوازد و در زمینه ساز تنبک هم نوازنده قابلی به حساب می‌آید.

وجود امام رضا(ع)، شوق دیدار را صد چندان می‌کند

سالار عقیلی سفرهای متعددی به مشهد داشته و آثارش را در این شهر نیز به صحنه برده است. او در خصوص فضای هنری شهرمان می‌گوید: مردم مشهد بسیار مردم مهمان‌نواز و اهل هنری هستند، هنر و خاصه موسیقی را به خوبی می‌فهمند. وی می‌گوید: من هر وقت که به مشهد می‌آیم با عشق به این شهر سفر می‌کنم. به‌ویژه با عشق به امام رضا(ع) که مضجع شریفشان، شوق سفر و دیدار را برای آدمی صد چندان می‌کند.

یادداشت

حامد کامل نیا

رئیس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی

نوسازی بافت پیرامون حرم؛ حرکت در مرز گذشته و آینده معماری

شاید یکی از پُرتکرارترین مباحث معماری و شهرسازی در شهر مشهد- به‌ویژه در سال‌های اخیر- درباره بافت اطراف حرم مطهر رضوی و ساختار توسعه شهری در این بافت جغرافیایی از شهرمان بوده است؛ از برگزاری نشست‌ها و پانل‌ها تا مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی... جدا از این که این نقدها (که بعضا جهت‌گیری یا سالایق شخصی بوده یا عده‌ای که کلا بر حسب عادت مخالف همه‌چیز هستند) تا چه میزان درست است و آیا برای بهبود آن راهکاری وجود دارد یا خیر؛ باید به این موضوع اشاره کرد که در سال‌های اخیر بدون تردید یکی از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه بافت شهری در کشورهای اسلامی، طرح بافت پیرامون حرم مطهر رضوی بوده است: چه به لحاظ مقیاس و چه به لحاظ محتوا؛ بنابراین در زوایای مختلف این طرح نیاز به رویکردی جهانی و اتخاذ سیاست‌هایی در زمینه به کارگیری توان تخصصی در همان ابعاد دارد؛ البته این تاکید بدان معنا نیست که در کشور ما متخصص وجود ندارد (یا حتی افراد غیرمتخصص نباید نظر دهند) بلکه ابعاد و پیچیدگی‌های موضوع و ارزش آن به حدی زیاد است که نیازمند استفاده از بالاترین و با کیفیت‌ترین تجارب جهانی در این حوزه هستیم (در کنار دانش و تجربه بومی) تا بتوانیم بر مبنای نیازهای منطقه‌ای خود، تصمیم‌سازی درستی داشته باشیم. در سال‌های گذشته تقریبا شکل‌های متنوعی از انتقاد را جع به این طرح گفته شده است: از نقدهای علمی و دانشگاهی در سمینارها و مجلات و... تا طومار و امضا و... ولی به نظر می‌رسد اولین شرط برای اصلاح یا بهبود شرایط فعلی ایجاد فضای مناسب گفتمان علمی و بستر نقد منصفانه و فرصت بحث و گفت‌وگو و پرهیز از هرگونه جهت‌گیری‌های سیاسی و جناحی است و برای به دست آوردن نتایج بهتر نیاز به تداوم این رویکرد و هدایت آن به سمت مقیاس جهانی و بهره‌گیری از تجارب بی‌در آن سطح است. هم‌اکنون با وجود برخی چالش‌های اجرایی پیش روی طرح مانند تراز صفر و مباحث حقوقی و مالکیتی به نظر می‌رسد در برخی از خواسته‌ها و موضوعات اجماع عمومی وجود دارد. توجه به حریم بصری حرم مطهر رضوی، حفظ هویت تاریخی بافت، توجه به مقیاس انسانی در طرح، کاهش تراکم، افزایش مشارکت بخش‌های مختلف در فرایند تولید طرح جدید و... همچنین به عنوان یکی از اصول اصلی، تغییر رویکرد نوسازی و بهسازی به رویکرد حفاظتی و بهسازی بسیار پُراهمیت است. امروزه حفظ ارزش‌های پایدار معماری و شهرسازی به‌ویژه بافت‌ها و بناهای با ارزش تاریخی نه تنها به دلایل فرهنگی، بلکه به دلیل ایجاد ارزش‌های اقتصادی در کشورهای مختلف، مورد توجه است. از سوی دیگر توجه و ارزش نهادن به بافت‌های تاریخی و قدیمی الزاما به معنی تکرار الگوهای معماری گذشته نیست بلکه ساخت بناهایی که دارای ارزش‌های ماندگار معماری بوده و بتوانند میراثی برای آینده باشند، نیز به همان اندازه مهم است. در این زمینه طبیعتا انتظار از نهادهای مربوط، اتخاذ یک نگاه پیشرو و آینده‌نگر در مواجهه با بافت تاریخی است (با نگاه جهانی- بومی) و حرکت کردن در مرزهای آینده معماری و شهرسازی کشورهای اسلامی؛ از یک سو نباید به بهانه حفظ میراث گذشته و تکرار الگوهای گذشته (بدون توجه به نیازهای روز و روح زمان) حرکت به سمت آینده معماری و شهرسازی را متوقف کرد و از طرفی به بهانه قدیمی و ناکارآمد بودن نگاه صرفا توسعه محور و تخریبی را حاکم کرد (البته قطعا در عمل شناخت این مرزها و تحقق ایده‌آل‌ها و حتی مطلوب‌ها در شرایط کنونی کار بسیار پیچیده‌ای است اما امیدواریم محقق شود). امروزه در کشورهای توسعه یافته به جای اتخاذ رویکردهای مداخله‌ای گسترده و پیچیده (و بعضا خطرناک) که مانند یک جراحی عظیم پیکره بافت شهر را متلاشی می‌کند، نگاه خرد و حوزه‌های مداخله‌ای قابل کنترل مدنظر است که مانند طب سوزنی گذرگاه‌های انرژی را تسکین می‌دهد و بافت اطراف اندک اندک تاثیر می‌پذیرد. بناهای ارزشمند تاریخی (یا حتی بناها، معابر و... دارای ظرفیت) در بافت اطراف حرم رضوی نقش گذرگاه‌های انرژی را بازی می‌کنند که باید بسیار مورد توجه باشند و با دیدویژه‌ای در طراحی آن‌ها اقدام شود تا بتوان تاثیر آن را بر دیگر بخش‌های بافت نیز مشاهده کرد. هر چند که به نظر می‌رسد در این حوزه بیشتر راه طی شده است و شاید تعداد اندکی از این موارد را بتوان یافت اما شاید با توجه بیشتر به همین اندک میزان باقی مانده نیز بتوان حداقل در بخشی از این بافت تعادل لازم را به وجود آورد و نه تنها از گسیختگی بیش از پیش کالبد جلوگیری کرد، بلکه باعث ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی در یک بستر فرهنگی- تاریخی شد. برای نیل به این مهم ایجاد سیاست‌های تشویقی از سوی نهادهای اجرایی (مانند شهرداری و سازمان میراث فرهنگی) برای سرمایه‌گذاران و بهره‌گیری مثبت از تجارب جهانی در این حوزه و دخیل کردن نهادهای علمی مطرح داخل (و خارج) در حوزه‌های عملیاتی معماری و شهرسازی و در تصمیم‌سازی‌ها (و نه صرفا استفاده ظاهری و ابزاری از این نهادها) می‌توان شرایطی برای بهبود وضعیت موجود و پرهیز از تکرار اشتباهات گذشته فراهم آورد.